



جوانان توده ایران در اجلاس هیات اجرایی فدراسیون جهانی جوانان دمکرات

آلمان، با رفیق آریک مونکر و هیئت دولت این کشور داشتند. رفیق مونکر به عنوان یکی از پیش کسوتان فدراسیون جهانی، طی سخنان مبسوطی چهلمین سالگرد فدراسیون را به تمامی جوانان جهان تبریک گفت و برای فدراسیون در مبارزه اش برای صلح، آزادی و رهایی ملی آرزوی موفقیت نمود.

در روز دوم این اجلاس مراسم ویژه ای به مناسبت بزرگداشت چهلمین سالگرد فدراسیون در کاخ جمهوری با شرکت گروهی از بنیانگذاران فدراسیون از کشورهای مختلف، رامش چاندر را رئیس شورای جهانی صلح، نماینده مختلفه در ص ۸

اجلاس فوق اعاده هیئت اجرایی فدراسیون جهانی جوانان دمکرات بنسبیت بزرگداشت چهلمین سالگرد تاسیس فدراسیون جهانی از تاریخ ۸-۱۰ نوامبر در برلن پایتخت جمهوری دمکراتیک آلمان به میزبانی سازمان جوانان آزاد آلمان برگزار گردید.

سازمان جوانان حزب توده ایران که از بنیانگذاران فدراسیون و عضو هیئت اجرایی آن در چهل سال گذشته بوده است، نیز در این اجلاس حضور داشت. شرکت کنندگان در این اجلاس در آغاز کار خود دیدار مهمی، در ساختمان شوروی دولت جمهوری دمکراتیک



شماره ۷۷ دوره هشتم
سال دوم پنجشنبه ۲۰ آبان ۶۴
بهه ۲۰ ربیال

بیاموزیم، تبلیغ کنیم و سازمان دهیم

رفقا! اعضا، هواداران حزب ا واقعیت ها و رویدادهای اجتماعی کشور ما گواه بر آنست که علیرغم فرمانروایی رژیم ترور و خفقان، در نتیجه نارضایتی وسیع کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان و انزوای بیش از پیش رژیم، امکان عینی فعالیت انقلابی در عرصه های گوناگون و در میان توده های مردم روز به روز گسترش می یابد. از اینرو، در پی خواست های مکرر بسیاری از هسته های حزبی که در سطح کشور در حال فعالیت هستند و نیز بنا به ضرورت شرایط نوین، از این پس هر از چندی یکبار صفحه ای تحت عنوان "بیاموزیم، تبلیغ کنیم و سازمان دهیم" خواهیم داشت. وظیفه این صفحه چنانکه از عنوان آن هم برمی آید، بررسی اشکال و شیوه های درست و موثر پیکار انقلابی و ارائه رهنمودهای مشخص سازمانی به هسته های حزبی است. در این صفحه همچنین گوشه هایی از تجارب و فعالیت ها و دیدگاه های هسته های حزبی با زتاب خواهد یافت.

در کارپخش اعلامیه و تراکت توسط

هسته های حزبی رعایت نکات زیر ضرور است
* در شرایط کنونی، اعضای اصلی هسته های حزبی هرگز نباید اعلامیه و تراکت یا نشریه حزبی را مستقیماً بدست کسی بدهند.
بقیه در ص ۲

بورژوازی بزرگ تجاری:

پایگاه عمده امپریالیسم و ارتجاع
ص ۴

کارزار جهانی دفاع از توده های در بند

در ص ۶

آغاز یک پایان

تا بیشترین سهم را در دولت و بخصوص پست ریاست آنرا از آن خود کرده و در صورت امکان تمام دولت را یکجا قبضه کنند. قریب دو ماه صفحات روزنامه های دولتی و تریبون های مجلس و نمازهای جمعه به عرصه درگیری و جدال دو جناح حاکمیت تبدیل شد. گروهی برای تثبیت موسوی دز سمت خود به هر دزدند تا کارنامه ای لااقل قابل ارائه از "خدمات" چهارساله دولت ترتیب دهند و چون چیزی نیافتند بناچار بیاد مستضعفان و انقلاب افتادند و اینکه هفت سال پس از حاکمیت جمهوری اسلامی نه تنها برای محرومان کاری انجام نگرفته بلکه اندک اقدامات نیم بند آغاز انقلاب نیز از بین رفته است. آنگاه آنها کوشیدند تا همه گناهامان خیانت به زحمتکشان و انحراف انقلاب و همه ضعف ها و نارساییها را به گردن گروه دیگر بیاندازند.

در خطبه های نمازهای جمعه در سخنرانی ها و مصاحبه ها و نطق های قبل از دستور مجلس همه جا صحبت بر سر بی عدالتی ها و بازگشت سرمایه داران فراری و استرداد اموال مصادره شده آنها، قدرت گرفتن غارتگران اجتماعی و محرومیت روزافزون زحمتکشان از حداقل معیشت بود. مثلاً اسفندیارنماینده کوهشدت گفت: "... راستی چرا باید ناظر ضعیف شدن حمایت از مستضعفین باشیم؟ چرا غارتگران... اکنون فرصت یافته اند تا خود را مطرح کنند؟..." همچنین نماینده جیرفت گفت: "... این روزها سرمایه داران زالو صفت که با خون این ملت سرمایه اندوخته اند و پس از انقلاب فراری شدند، اکنون برمی گردند و طلب سرمایه می کنند..." و بالاخره خویشینی ها در جمع مسئولین دادستانی کل چنین نتیجه گیری کرد که: "... اگر دیر بجنبیم همه شما همه آنهاثیکه بر علیه شاه در خیابانها شوریدند در همین دادگستری محاکمه خواهند شد..." ولی گروه بقیه در ص ۲

فقط سه روز از رای تمایل مجلس به موسوی گذشته بود که خمینی نمایندگان مجلس را احضار و چنین تهدید کرد: "... مجلس حق دارد مخالف و موافق و منتفع داشته باشد، اما اگر مخالفان برای اثبات حرف خود بخواهند کارشکنی کنند مردم مطلعند و سکوت نمی کنند..." عکس العمل آنچنان سریع بود که حتی نزدیکترین یاران او رام به تعجب واداشت. در نخستین جلسه مجلس، پس از ملاقات نمایندگان با خمینی، رفسنجانی چنین گفت: "... شما در نظر بگیرد که با این سرعت بعد از رای تمایل... چرا امامت ما را دعوت کردند که برویم خدمتشان و برای ما صحبت کنند. در گذشته چنین موردی سابقه نداشته است و تا آنجا که من می دانم برای اولین بار است... احساس خطر فرمودند..." و برای اینکه بدانیم خمینی چرا و از چه ناحیه ای احساس خطر می کند لازمست کمی به عقب برگردیم، یعنی به روزهای انتخاب رئیس جمهور و بعد از آن:

در جریان سخنرانی های انتخاباتی هر سه کاندیدای منتخب شورای نگهبان در یک مسئله اتفاق نظر داشتند که در چهارسال گذشته کشور به سوی نوعی "دولت سالاری" رفته و پس از این باید با این شیوه مبارزه کرد و "کارمردم را بدست مردم سپرد". خامنه ای پس از انتخاب شدن مجدد به مقام ریاست جمهوری صریحاً اعلام داشت که: "... رسانه ها چورا سالم نگه دارند تا با اختیار و تشخیص خود دولت آینده را انتخاب کنم..." او حتی در مراسم تفهیز حکم ریاست جمهوری اش هیچ ابایی نداشت تا در حضور خمینی بطور غیرمستقیم نخست وزیر "خدمتگزار" را مورد نکوش قرار دهد. وی گفت: "... فقدان یک برنامه همه جانبه اقتصادی و گرایش به "دولت سالاری" یکی دیگر از مشکلات است... بدنبال این صحبت ها هر دو جناح حاکمیت از هر سو به دست و پا افتادند

بیاموزیم، تبلیغ کنیم و سازمان دهیم

* در کار پخش اعلامیه می‌توان از وجود هوادارانی که شناسایی می‌کنید و رابطه تشکیلاتی با حزب ندارند، یاری بگیرید. برای هواداران مطمئن تعدادی اعلامیه یا روزنامه ارسال دارید و از آنها بخواهید که آنها را در محله شناسایی شده معینی که برای

هسته قابل نظارت است، پخش کنند. در صورت ابراز علاقه می‌توان سهمیه هواداران را افزایش داد. این کار باید بدون شناسایی مشخصی رابط انجام گیرد. بدین نحو که مثلا در روز و ساعت معین تعدادی اعلامیه در پشت درخانه فرد مورد نظر گذاشته شود، یا داخل درخانه اش انداخته شود و به فاصله چند دقیقه از وقت تعیین شده رفیق هوادار بسته اعلامیه را از جای تعیین شده بردارد و اقدام به پخش کند. نحوه ارتباط گیری از طریق علامت گذاری در محلی که رفیق عضو هسته مشخص می‌کند، صورت می‌پذیرد.

* هر هسته حزبی باید از بکارگیری همه نیروی سازمانی خود برای کار پخش پرهیز کند. بهترین حالت آنست که اعضای اصلی هسته، خود بیشتر نقش سازمانگری پخش را به عهده داشته باشند. در مرحله بعد، در صورت نداشتن یک هاله هوادار هسته‌ها مستقیما باید اقدام به پخش کنند.

* پس از مدتی فعالیت، طبیعی است که عناصر انقلابی بسته به علاقه و استعداد و توان و کارایی خود، در یکی از زمینه‌های فعالیت انقلابی تجربه می‌اندوزند و چیره دست می‌شوند. در تقسیم کار درونی گروه، بهتر است از همان آغاز، رفیق معینی بر کار تبلیغ و از جمله امر پخش نظارت فعال داشته باشد و پیوسته با جمع بندی آخرین نتایج کار و با ارائه شیوه‌های خلاق و نوآورانه، کار پخش را سازمان دهد.

* وقتی برای پخش اعلامیه می‌روید، قبل و بعد از پایان کار پخش، خود را دقیقاً با یک رشته عملیات ضد تعقیب چک کنید تا مبادا از قبل تحت نظر قرار گرفته شده باشید، یا در جریان پخش در تور تعقیب پلیس افتاده باشید.

* وقتی برای پخش اعلامیه می‌روید، باید از منطقه پخش اعلامیه شناسائی کامل داشته باشید و همه راه‌های گریز یا "در رو" آن را بشناسید تا در صورت بروز یک حادثه ناگهانی و غیرمنتظره بتوانید خود را از دایره خطر نجات دهید. در عین حال، در هنگام پخش هیچ سند و کاغذ رد و نشان داری جز برگهای اعلامیه نباید همراه داشته باشید.

* وقتی برای پخش اعلامیه می‌روید، خود را درگیر مسائل فرعی دیگر نکنید. مثلا اگر در سر راه خود، به بکو و مکو و دعوایی برخورد کردید یا حادثه رانندگی جزئی‌ای روی داده است، این وظیفه شما نیست که به میانجیگری دعوا بپردازید یا به عنوان گواه در محل حادثه بنایید.

* وقتی برای پخش می‌روید باید حساب همه احتمالات را کرده باشید تا تصادف‌های حساب نشده، حادثه نیافریند. مثلا رفیقی بخاطر خوردن مشروب در هنگام حمل اعلامیه بازداشت

می‌شود، بعد از بازرسی از اتومبیلش، معلوم می‌شود که او تعدادی اعلامیه همراه دارد. رفیقی بخاطر عدم رعایت "حجاب اسلامی" بازداشت می‌شود، بعد از بازرسی از کیشش، تعدادی اعلامیه بدست می‌آید.

* در مسیر پخش برای حضور خود در کوچه و خیابان باید توجیه داشته باشید. مثلا حرکت شما به طرف بیمارستان، داروخانه، محل کار و یا... باشد.

* هنگام پخش اعلامیه در یک کوچه یا خیابان بن بست، حتما کار پخش را از انتهای آن شروع کنید تا بتوانید رفت و آمدهای داخل کوچه و خیابان را زیر نظر داشته باشید.

* برگهای اعلامیه در نظر گرفته شده برای پخش، پیش از پخش باید با حوصله و دقت در قطع و اندازه مناسب تا خورده باشد. این کار هم به سهولت حمل و هم به سرعت عمل در هنگام پخش یاری می‌رساند. برگهای اعلامیه به شکل مناسب نیز باید تا بخورد تا در اولین نگاه نظر بیننده را به خود جلب کند.

* در کار پخش همواره یک محیط و منطقه معین و یک مسیر و روز و ساعت معین را انتخاب کردن، دور از حزم و احتیاط انقلابی و خطای محض است.

* تعداد اعلامیه‌ای که در هر نوبت پخش می‌کنید باید با وضع منطقه پخش تناسب و همخوانی داشته باشد. به بیان راسختر، تعداد و محل دقیق پخش اعلامیه‌ها باید از قبل دقیقاً مشخص شود.

* گذاردن یا پراکندن تعداد زیادی اعلامیه در یک گذرگاه پرت و کم رفت و آمد خطاست.

* سعی کنید اعلامیه‌ها و تراکت‌ها را در محل کار و زندگی خود پخش نکنید که سبب برانگیختن حساسیت و سوء ظن پلیس به آن به محل بشود. بخصوص اگر رفیقی در محل کار یا زندگی خود سابقه مبارزه و زندان دارد، باید از این کار جدا اجتناب ورزد.

* در هنگام پخش اعلامیه بگونه‌ای عمل کنید که رد مشخصی از خود پرچای نگذارید (از جمله مسیر پخش...).

* اگر اعلامیه‌ای را برای تکثیر از شهری به شهر دیگر، بوسیله اتومبیل خود یا با استفاده از وسایل نقلیه عمومی همانند اتوبوس‌های مسافربری جا به جا می‌کنید، حتما باید در نظر داشته باشید در کلواکه شهرها قرارگاه‌های بازرسی کمیته یا سپاه وجود دارد. در نتیجه امکان آن هست که وسایل سرفرتان را مورد بازرسی قرار دهند و شما را ستوال بیچ کنند. در اینگونه موارد، اعلامیه باید لزوما با چاسازی مناسب حمل شود.

رهنمودهایی برای گسترش کارزار

دفاع از زندانیان سیاسی

مبارزه بخاطر نجات جان زندانیان سیاسی یکی از عرصه‌های فعالیت هسته‌های حزبی در داخل کشور بشمار می‌رود. هسته‌های حزبی از طریق آگاه کردن و سازمان دادن خانواده‌های زندانیان سیاسی می‌توانند، به سهم خود، نقش

شایسته‌ای در پیشبرد کارزار گسترده بیکار در راه نجات جان فرزندان دریند خلق ایفا کنند.

باید توجه داشت اگر هسته‌های حزبی، در این زمینه، از همه امکانات موجود به درستی بهره گیری کنند و تلاش‌های خود را با فعالیت‌های سازمان‌های حزبی در خارج از کشور و موج همبستگی و پشتیبانی از زندانیان سیاسی در سطح جهان پیوند زنند، بدون تردید ثمرات فعالیتشان بسیار زیادتر خواهد بود.

در حال حاضر ده‌ها هزارتن از بهترین و شایسته‌ترین فرزندان خلق در زندانهای رژیم تحت شرایط دشوار شکنجه بصرمی‌پرند. از این واقعیت تلخ از جمله می‌توان نتیجه گرفت که حداقل سرنوشت و آینده ده‌ها هزار خانواده به آزادی یا اسارت دلبنده‌شان پیوند دارد. باید با کمکهای مادی و معنوی در قلب این خانواده‌ها راه پیدا کرد و آنها را به صحنه مبارزه فعال فراخواند. زنان به ویژه می‌توانند وظیفه سنگینی را در این زمینه بعهده بگیرند. زنان توده‌ای می‌توانند در راه ایجاد هماهنگی و وحدت عمل در دفاع از زندانیان سیاسی کام‌های چشمگیری بردارند.

نظر هسته‌های حزبی را به برخی رهنمودها در این زمینه جلب می‌کنیم:

- سازماندهی بخاطر ایجاد کارزار وسیع افشاکری پیرامون حاکمیت شلاق و شکنجه در زندانهای ایران از طریق پخش اعلامیه و تراکت؛

- سازماندهی حرکت‌های اعتراضی جمعی خانواده‌های زندانیان با هدف دستیابی به حقوق زیستی، قضایی و انسانی برای زندانیان سیاسی؛

- سازماندهی مراجعات حضوری، خواه فردی یا جمعی و همچنین ارسال نامه‌های اعتراضی به مقامات و مراجع مسئول حکومتی؛

- سازماندهی گردهمایی‌ها و تحصن‌ها و تظاهرات خانواده‌های زندانیان سیاسی در برابر نهادهای گوناگون حکومتی همانند دادگستری، مجلس، نخست‌وزیری و مقر ریاست جمهوری برای بیان خواست‌ها و بلندکردن صدای اعتراض به جنایات رژیم؛ البته بجاست به نحوی رفتار شود که توجه رهگذران را به خود جلب کند، در ضمن بخاطر بازتاب هرچه گسترده‌تر اعتراض‌های خانواده‌ها در سطح جامعه و جهان، می‌توان پیش از مبادرت به هر حرکت اعتراضی، بادر نظر گرفتن همه جوانب امر، زمان و محل تجمع یا تحصن را به نمایندگی‌های خبرگزاربهای بین‌المللی اطلاع داد؛

- سازماندهی ارسال نامه‌های افشاکرانه با امضاء خانواده‌های زندانیان سیاسی در ارتباط با شرایط غیرانسانی حاکم بر زندانها و دادگاهها، به مراجع گوناگون بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد، صلیب سرخ جهانی، کمیسیون حقوق بشر، کمیسیون عفو بین‌المللی؛

- برقراری ارتباط نزدیک و صمیمانه بین خانواده‌های زندانیان (قطع نظر از وابستگی سازمانی و گرایش سیاسی زندانیان و بستگان آنها) و تلاش برای حل مشکلات و احتیاجات آنها؛

آغاز یک پایان

بقیه از ص ۱

مخالف نیز بیکار نشست. با هنر نماینده بافت گفت: "... اخیرا بحث های زیادی در رابطه با بازگشت طاقوتیها و کرکس شدن جوجه ها و تخلیه مدارس و خوابگاه ها و بازگرداندن کارخانه ها و ... از زبان مسئولین شنیده می شود. ... مسلم است که همه این مسائل در زمان اقتدار همین دولت، همین مسئولین قوه قضائیه و همین مجلس اتفاق افتاده است. کارخانجات بوسیله چه کسانی و نمایندگان چه قوای به صاحبانش برگشته؟ ... مدارس را چه کسی تخلیه میکند؟ ..."

البته هواداران نخست وزیر از خواهش و تمنا نیز کوتاهی نکردند. مثلا نماینده جیرفت التماس کنان گفت: "... دولتی با چهار سال سابقه کار داریم ... با گفتن چند مورد اشکال جزئی نمی شود دولت را تغییر داد... "، متقابلا نماینده مشهد چند اشکال جزئی (۱) را چنین برشرد: "... اگر امروز کارگری با دوسر عائله از کارخانه اخراج شود حرفش به هیچ کجا نمی رسد... هنوز هم مقررات برفع پولدارهاست... مسئله زمین یکی از مسائل حیاتی کشور است وزارت کشاورزی چه مقدار روی زمین بایر و موات کار کرده، چقدر روی مراتع کار کرده، بدبختانه حتی علوفه گاودانه مرغ را هم از خارج وارد می کنیم، همه را به حساب جنگ نگذارید... تا کی وابستگی به نفت باشد نگذاریم کشور بازار کالاها ی خارجی و حتی کامیوندراری خارجی گزیده... مردم دادشان از رشوه بلند است اگر یک پروانه از شهرداری بخواهند بگیرند جانشان به لیشان میرسد... " نماینده بابل نیز با آمار و ارقام چنین می گوید: "... گوشت وارداتی در سال ۵۲ سی و دو هزار تن بود که در سال ۶۲ به ۲۲۰ هزار تن یعنی به هفت برابر رسیده. واردات گندم از ۷۳ هزار تن در سال ۵۲ به ۲۲۰۰ میلیون تن در سال ۶۲ رسیده یعنی ۴۵ برابر. تعجب وقتی افزوده می شود که عربستان و هند به صدور گندم رسیده اند. کل واردات از ۱۰۷۳ میلیون تن در سال ۵۸ به ۲۱۰۹۰ میلیون تن در سال ۶۲ رسیده است... "

هواداران نخست وزیر که سببه طرف مقابل را پر زور دیدند بناچار دست بدامان خمینی شدند و از او خواستند تا از پرستیژ خود استفاده کرده حریفی را که بهیچ وجه سرسازش ندارد به نحوی آرام کند. ولی با وجود آنکه تأیید خمینی یعنی این سخن که "در وضع بسیار پیچیده کشور دولت ایشان را موفق می دانم و در حال حاضر تغییر آنرا صلاح نمیدانم..." موجب تمکین رئیس جمهور و معرفی موسی به عنوان نخست وزیر به مجلس شد، عده قابل ملاحظه ای از نمایندگان علیرغم اظهار نظر صریح خمینی از دادن رای موافق خودداری کردند. این درگیری برای خمینی قابل تحمل نبود و این همان خطریست که او سالهاست احساس کرده و اکنون بشکل سازمان یافته خودنمایی می کند. خطری که توسط نمایندگان خمینی نشان داده می شود: رضوی نماینده تبریز "... منشاء کمبودها

و در هم و برهم ها" را "نه در قوه قضائیه و نه در قوه مجریه و نه در مجلس بلکه در سطح همه مدعیان اسلام شناسی در تلورپسنی و بالاخره آنانکه می خواهند بعنوان ارائه دهنده نظام اسلام در این جامعه مطرح شوند... قانون اساسی خود امام را در مقابل امام مطرح می کنند... "، یا "... وقتی دو اندیشه و دو نوع تفکر و دو نوع تلوری مطرح می شود، دولت، قوه قضائیه و مجلس دو گونه اندیش می شوند... "، یا از زبان نماینده فلاورجان "... مدت ها است... نوعی جدید از خط امام ظهور کرده است... که افراد علیرغم اطلاع روشن از دیدگاه حضرت امام در امری خاص خود را مجاز به تخطی عملی و گاها به تمسخر گرفتن آن بلکه شرعا خود را مکلف به امری جز آن دانند... "

اینست آن خطری که خمینی احساس می کند. او که هنوز در رویای خلافت جهانی اسلام غرق است و بخاطر امر محال اداره جهان صنعتی پایان قرن بیستم با قوانین و رسوم قبیله ای عربستان چهارده قرن پیش همه آبرو و حیثیتی را که در جریان انقلاب بدست آورده بود و همه امیدها و آرزوهای دهها میلیون مردم زحمتکش و رنج دیده ایران را که برای پیروزی انقلاب تا پای جان فداکاری کردند، قربانی کرده است. او که برای جلب رضایت "مراجع عالیقدر" و "بازاریان عزیز" (۱) و "تجار محترم" (۱) انقلاب را به مسلخ فرستاد و بدست همان کارکنان دادستانی و با احکام دادستانهای کل بهترین فرزندان انقلاب و همان کسانی را که "در خیابانها بر علیه شاه شوریدند" بدون محاکمه اعدام کرد و هنوز دهها هزار تن دیگر را در زندانها زیر وحشیانه ترین انواع شکنجه جسمی و روحی در انتظار سرنوشت مشابهی نگاهداشته است، انتظار نداشت دست پروردگانی که "خودش آنها را بزرگ کرده بود" این چنین برویش تیغ بکشند و نافرمانی کنند.

بدون شک او هنوز تمام خطر را احساس نکرده است و نمی تواند بفهد، از دست دادن زحمتکشان که روزی آنانرا صاحبان اصلی انقلاب می نامید به قیمت جلب رضایت "بازاریان عزیز" به چه بهایی برایش تمام می شود. او مردم را رها کرده، بدون اینکه مرکز اعتماد قطعی "تجار محترم" و صاحبان صنایع و اربابان آنها را بدست آورده باشد، او پس از پیروزی انقلاب بجای سر و سامان دادن به زندگی سراسر رنج مردم محروم که تحقق همه آرزوهای خود را در گرو پیروزی انقلاب و رهبری او می دیدند، آنان را بدنبال سراب "صدور انقلاب" به منجلاب ادامه جنگ کشاند و صدها هزارتن از بهترین جوانان کشور را به کام مرگ فرستاد و ظاهرا هنوز نفهمیده است که این جنگ فقط برای مشتکی دزد و غارتگر داخلی و انحصارات امپریالیستی "رحمت" بود و نه برای مردم که برایشان جز زحمت و نکبت چیزی بهاریاورد.

بدون شک خمینی هنوز چند صباحی دیگر با کوشش برای پوشاندن اختلافی که تا مغز استخوان او را می سوزاند، بحکومت "ولایت

فقیه" ادامه خواهد داد. ولی خود او از هم اکنون در چشم انداز رویدادهای حاد اجتماعی پایان کار را، اگر چه نه چندان روشن، می بیند. او بر باد رفتن خلافت اسلامی و حتی ناپودی جمهوری اسلامی ایران را از هم اکنون احساس می کند و چه بسا در حیات خود مرگ آرزوهایش را ببیند و این سزای شایسته همه کسانیست که از اعتماد مردم سوء استفاده کنند و آنان را بدنبال سراب رویاهای خود بکشاند.

پیاموزیم، تبلیغ کنیم و سازمان دهیم

- تشریق خانواده های زندانیان سیاسی به بازگ کردن انواع شکنجه ها و رفتار غیر انسانی رژیم و زندانبانان آن با عزیزان دربندشان.

رفقا همچنین وظیفه دارند با بسیج همه امکانات خود با رعایت اصول پنهانکاری تازه ترین خبرهای مربوط به زندانها و سرنوشت زندانیان را گردآوری کرده و برای مرکز حزب ارسال دارند.

فشرده تر شدن صفوف رفقای حزبی

پیرامون "نامه مردم" و رهبری حزب

پاره ای از نامه یک هسته حزبی: "رفقا... در جریان فعالیت خود شاهد آن هستیم که دشمنان حزب و طبقه کارگر با بهره گیری از حربهای گوناگون تلاش می ورزند در صفوف حزب ما، حزب پر افتخار روزه ها، سیامک ها، وارطان ها و تیزابهای ما و افضلی ها، بذر تفرقه و چند پارچگی بیافشانند و در ایمان توده ای ها به حقانیت راهشان خلل وارد سازند.

ما ایمان داریم که تیر آنها مثل گلذشته به سنگ خواهد خورد. ما ایمان داریم که حزب ما از کارزار خونین کار و پیکار پیروز و سر بلند بیرون خواهد آمد و پرچم پاسداری از اصولیت سیاسی - ایدئولوژیک و انترناسیونالیسم پرولتری را هیچگاه بر زمین نخواهد گذارد.

رفقا به اطلاع می رسانیم علیرغم بکیر و بیند های نهاده ی سرکوبگر رژیم، "نامه مردم" روز به روز به نحو گسترده تری در سطح جامعه پخش می شود. اجازه بدهید بگوییم و چنین نتیجه بگیریم که پخش وسیع "نامه مردم" توسط هسته های حزبی نشان دهنده فشرده تر شدن هر چه بیشتر صفوف رفقای حزبی پیرامون "نامه مردم"، رهبری حزب و گل سرخ پژمرده ناشدنی حزب توده ایران و شکست دشمنان حزب است... "

تلفیق هشیارانه کار مخفی و

علنی در شرایط کنونی

یک وظیفه انقلابی است!

بورژوازی بزرگ تجاری: پایگاه عمده امپریالیسم و ارتجاع

فعال شرکت جست و با بهره برداری از شرایط جنگ و وضع ناپسایمان ارزی و اقتصادی کشور و با در دست داشتن نقدینگی عظیم، توانست با اعمال فشار بر سیستم بانکی و مالی، دعاوی سیطره چوپانه خود را پیش ببرد و شرایط و زمینه های ضرور سیاست گرایش به سوی امپریالیسم و هموار کردن راه بازسازی شالوده های سرمایه داری و وابسته و احیاء مواضع امپریالیسم در ایران را فراهم سازد. برای روشن شدن عمق مسئله بجاست تنها "نمونه" ای از عملکرد سرمایه بزرگ تجاری بخاطر حفظ و گسترش وابستگی و مناسبات با کشورهای امپریالیستی نظر بیافکنیم:

" برای نمونه بخش خصوصی برای حفظ مواضع اقتصادی خود در واردات کشور از سرمایه گذاری در طرح هایی که قطع نیاز به واردات کالاهای خارجی بخصوص کشورهای سرمایه داری را در پی داشته باشد خودداری خواهد کرد تا بازار داخلی را همچنان نیازمند مصرف کالاهای وارداتی - که واجد سودهای کلان است - نگه دارد. و این کار را از طریق اعمال نفوذ سیاسی بوسیله عوامل خود در صحنه حکومت و یا کمک اقتصادی و مالی به سرمایه گذاران و کارخانه داران داخلی - برای انصراف آنها از تولید کالاهای مشابه وارداتی - به انجام خواهد رساند" (کیهان ۱۶، ۷، ۱۹۶۴).

بورژوازی بزرگ تجاری، بعد از انقلاب، در مراحل گوناگون، با ظرافت خاص در هماهنگی و همپوندی کامل با امپریالیست ها برای پیاده کردن توطئه های آنها عمل کرده و می کند. مثلاً در مرحله ای که جنگ امپریالیسم برافروخته خصلت عادلانه، دفاعی و میهنی داشت و امپریالیست ها دست به تحریم اقتصادی کشور ما زدند، بورژوازی بزرگ تجاری نه تنها هیچ کمک مادی و معنوی به جنگ و جبهه نرساند، بلکه از تمام اهرم های اقتصادی و مالی و سیاسی خود در راستای اجرای دیسه های امپریالیستی استفاده کرد. در این باره در روزنامه کیهان دوم مهرماه ۶۴ چنین می خوانیم:

"... نمی توان منکر این حقیقت شد که نیروهای امپریالیستی به همراه سرمایه داران و مرتجعین داخلی مصمم بودند تا بعد از وقوع جنگ و نیز تحریم اقتصادی امپریالیست های آمریکایی، اروپایی و ژاپنی علیه ایران با افزایش هنگفت بهای کالاهای اساسی و احتکار آنها مردم انقلابی ایران و انقلاب اسلامی را خیلی سریع از پای درآوردند."

ولی، بعد از یورش رژیم به نیروهای انقلابی و از آنجمله حزب توده ایران و برپایی کنفرانس سران هفت کشور امپریالیستی در ویلیامزبورگ و اعلام رسمی پایان تحریم اقتصادی و ماموریت ژاپن از سوی کنفرانس برای "بهبود روابط غرب با ایران" (کیهان ۲۷، ۲، ۱۹۶۴) بود که بورژوازی تجاری همخوان با خواست و منافع امپریالیسم

دو تصرف سرمایه بزرگ تجاری است. بورژوازی بزرگ تجاری همچنان از ابزارهای پولی، گرانروشی و احتکار بهره ور می گردد. کاشانی، مدافع سینه چاک کلان سرمایه داران، ضمن اشاره به "ناایمن بودن" محیط اقتصادی "کشور می گوید:

"در چنین حالتی همچنان که کفتم بخش خصوصی به تحصیل سریع سود و پنهان کردن آن می پردازد. در چنین حالتی احتکار رایج می گردد، که گردید، قیمت ها بی جهت بالا می رود، که رفت، و پول و سرمایه از گردش خارج می شود، که شد، و حتی کار به جایی رسیده است که اسکنا س های پانصد تومانی و هزار تومانی عملاً از گردش خارج شده و در گوشه صندوق خانه ها پنهان شده اند" (اطلاعات ۲۳، ۵، ۱۹۶۴).

در نزدیک به ۷ سال بعد از انقلاب، بورژوازی تجاری از طریق انبار کردن کالا و بوجود آوردن بازار سیاه و گرانروشی و فیض بردن از همپوندی با بورژوازی بوروکراتیک سوده های افسانه ای وارد گاو صندوق های خود کرده و می کند. در این باره در روزنامه کیهان هم می خوانیم:

"در جامعه ما هم اکنون درآمدهای افسانه ای نصیب بسیاری از افراد می شود. بازار ما بزرگترین سوده های تاریخ ایران را تاکنون کسب نموده است. مجموعه کثیری از شاغلین بخش خصوصی و به ویژه صاحبان سرمایه های تجارتي و صنعتی در معیت عده بیشتری از دیوان سالاران و مدیران دولتی از درآمدهای بسیار بالا برخوردارند" (کیهان ۲۹، ۵، ۱۹۶۴).

برپایه داده های رسمی تنها در سال ۶۱ و ۶۲ سرمایه تجاری به ترتیب ۲۶۰ و ۲۸۰ میلیارد تومان سود داشته است. تازه باید توجه داشت که این سوده های سرسام آور مربوط به پیش از سخنرانی ۴ شهریور ۶۲ خمینی در پشتبانی از بازار است. حال تصور کنید، بعد از آنکه خمینی فتوا داد: "کارهائیکه از بازار می آید جلوی را نگیرید، یعنی مشروع هم نیست آزادی مردم (کلان سرمایه داران) نباید سلب بشود" (ج.ا. ۵، شهریور ۶۲)، چه غارت بی بندوباری صورت گرفته و می گیرد. سخن از کام گذاردن "میلیاردهای جدید" و "سرمایه داران نوظهور" و "قشر جدید سرمایه دار" به صحنه جامعه، تظا هری از رشد و عملکرد سرمایه بزرگ تجاری ایران است.

سرمایه تجاری هم در انقلاب مشروطیت، هم در کودتای ننگین ۲۸ مرداد و هم در جریان انقلاب بهمن یعنی در هر چرخش مهم تاریخی، برای ناپودی دستاوردهای مبارزه انقلابی توده های مردم آشکارا نقش ضد انقلابی و توطئه گرانه ایفا کرده و موفق به حفظ موجودیت خود شده است.

پس از انقلاب، بورژوازی بزرگ تجاری، به عنوان یکی از پایگاه های اصلی امپریالیسم در داخل، در توطئه های رنگارنگ امپریالیسم علیه انقلاب، به ویژه توطئه های اقتصادی آن، بطور

پس از پیروزی انقلاب، سرمایه بزرگ تجاری توانست با بهره چویی از اهرم های گوناگون سیاسی و اقتصادی مواضع اساسی خود را حفظ کند و زمینه غارتگری خود را گسترش دهد. مناسبات ریشه دار و سنتی بورژوازی تجاری بازار با روحانیون طراز اول و به ویژه پیوندهای گوناگون آنها با محافل بانفوذی از نیروی حاکم، نقش بزرگی در این زمینه ایفا کرد. بدون دلیل نیست که خامنه ای می گوید:

"... بازاریان با علما بیشتر از دیگران محشور بودند" (اطلاعات ۱۰، ۳، ۱۹۶۴) امام جمعه بندرعباس نیز در نخستین سمینار اتاق های بازرگانی از جمله خاطرنشان می سازد که "حوزه های علمیه، اکثراً با اهل بازار تماس داشتند... در ایران هر کجا حوزه علمیه می بینید، در بازار قرار دارد... هم اینک در بندرعباس حوزه علمیه ای تأسیس شده که به لحاظ اهمیت ارتباط با مردم (بخوان: تجار بازار) در وسط بازار قرار دارد. به حال ارتباط بین روحانی و بازاری یک اصل فرهنگی است" (اطلاعات ۱۱، ۲۵، ۱۹۶۴).

سرمایه بزرگ تجاری تا پیش از انقلاب، مواضع مالی و اقتصادی پر اهمیت را در دست داشت. با این وجود، در حالی که انتظار می رفت که بعد از انقلاب سدی در برابر غارت بی بندوبار آن ایجاد شود، ولی جز تصویب خشک و خالی اصل ملی کردن بازرگانی خارجی در قانون اساسی، در عمل هیچ اقدام چشمگیری صورت نگرفت. به دیگر سخن، نه تنها تعرضی برای تنگ تر کردن دامنه فعالیت چپاولگرانه آن از جمله از طریق دست اندازی بر بخشی از ذخائر عظیم کالائی متعلق به این سرمایه انجام نشد، بلکه بطور قابل ملاحظه ای دست آنها در عرصه بازرگانی داخلی و هم در عرصه بازرگانی خارجی باز گذارده شد. شایان توجه است، که هم اکنون سهم مستقل بورژوازی تجاری در واردات کشور ۲۰ درصد است. افزون بر آن، توزیع داخلی بخش قابل ملاحظه ای از واردات بخش دولتی نیز در دست بورژوازی تجاری قرار دارد.

در زمینه استوارتر شدن و گسترش پایگاه و مواضع سیاسی بیانتگران منافع سرمایه بزرگ تجاری در حاکمیت ج.ا. کافی است یادآور شوم که بنا به نوشته "اطلاعات" "دولت جمهوری اسلامی ایران تاکنون چندین لایحه برای اجرای بازرگانی خارجی به مجلس برده است که مهربار لویح دولت با ایرادها و اشکالهایی مواجه شده است و سرنوشت بازرگانی خارجی همچون زمین کشاورزی بلاتکلیف مانده است" (اطلاعات ۲۶، ۴، ۱۹۶۴).

در حال حاضر، سرمایه بزرگ تجاری از مواضع مالی و سرمایه ای به مراتب قوی تر از پیش از انقلاب برخوردار است. این ادعا نیست، بلکه عین واقعیت است که در چارچوب اقتصاد کشور عمده ترین اهرمها و جایگاه های اقتصادی و مالی

در جریان انتخابات ریاست جمهوری کمتر از ۵ درصد کارکنان این واحد آراء خود را به صندوق ریختند که عمدتاً از مدیران کارخانه، کارکنان ارشد و اعضای انجمن اسلامی بودند. این امر مخالفت جدی زحمتکشان با رژیم کارگرسئیز ج.ا. را آشکار می‌کند.

در شرکت راهسازی کاتر پیلار

روز یکشنبه ۲۴ شهریور مدیریت جدید شرکت راهسازی کاتر پیلار ساعات کار خود را از هفت و ده دقیقه صبح تا سه و نیم بعد از ظهر اعلام و تعطیل روز پنجشنبه را نیز حذف کرد و بدین ترتیب ساعات کار در هفته از ۴۲/۵ ساعت به ۴۶/۵ ساعت افزایش یافت. کارگران با نوشتن نامه‌هایی به خمینی، مجلس، نخست وزیر، وزارت بازرگانی، کمیسیون اصل ۹۰ مجلس به تصمصم مدیریت جدیداً اعتراض کردند. کارگران که می‌خواستند اولین پنجشنبه یعنی ۲۸ شهریور در مقابله با تصمصم مدیریت کار را تعطیل کنند، با تهدید انجمن اسلامی، مدیریت و وزارت کار روبرو شدند که تعطیل کار به مثابه اعتصاب و شورش است.

همچنین بنا به تصمصم اخیر مسئولان رقرار شده که تعمیرگاه ماشین‌های راهسازی کاتر پیلار تخلیه و در اختیار شرکت "هاماراکی" (کوماتسو) گذاشته شود. این تصمصم در ارتباط با تمرکز شرکت ماشین‌های راهسازی در "هاماراکی" گرفته شده است. بر این اساس نقل و انتقالاتی در شرکت کاتر پیلار صورت گرفته، تعدادی از کارکنان زن و مرد شرکت به تعمیرگاه شرکت انتقال داده شدند و ۶ نفر از کارمندان معترض تهدید شده‌اند که به کردستان و بندرعباس و هویزه منتقل خواهند شد. کم کاری و اعتراض در شرکت به طرز محسوس دیده می‌شود و انجمن اسلامی ۴۱ نفر از سازمان دهندگان اعتراض‌های کارگری را به عنوان اخلاک‌گر به وزارت کار داده است. اما پشتیبانی کارگران از این ۴ نفر موجب عقب نشینی عوامل رژیم و خودداری از دستگیری آنها شده است.

اعتصاب در شرکت ساختمانی

قنطره قزوین

۹ تا ۱۶ شهریور، کارگران قسمت نجاری شرکت ساختمانی قنطره واقع در قزوین به علت این که در طی چندماه موفق به دریافت دستمزد خود نشده بودند، دست به اعتصاب زدند. اعتصاب آنها موجب عقب نشینی مدیریت و پرداخت حقوق عقب افتاده شد. مدیریت شرکت به عنوان تلافی تمام کارگران قسمت نجاری را از کارخانه اخراج کرد اما مقاومت کارگران و همبستگی کارکنان سایر قسمت‌ها با آنان موجب بازگشت بخش مهمی از اخراجی‌ها به محل کار خود شد.

به مامی نویسند

۲۵ هزار نفر فراری از جبهه

روز به روز به تعداد فراریان از جبهه‌ها و پادگانها افزوده می‌شود. بر اساس یک سند موثق آمار فراریان به رقم ۲۵ هزار نفر رسیده است. علی‌رغم پیگرد شدید فراریان از سوی رژیم، تیرباران گروهی از دستگیرشدگان و تبلیغات دامنه دار دایره‌های سیاسی - ایدئولوژیک در پادگانها این روند متوقف شدنی نیست.

ساواکی فراری بازم فرار کرد

اخیراً ماهیت یکی از ساواکی‌های فراری بنام محمدپور که از مدت‌ها پیش در جیت به شهر مشغول به کار شده و تا سطح مدیریت ارتقاء یافته بود فاش شد و کارگران با اجتماع در مقابل کارخانه خواستار اخراج او شدند. ساواکی مذکور مجدداً فراری شد، ولی انجمن اسلامی کارخانه با جمع آوری امضاء در حمایت از وی، درصدد بازگرداندن وی به کارخانه است.

اعتصاب در "چینی بهداشت" قزوین

کارگران "چینی بهداشت" قزوین، از نحوه اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در این واحد تولیدی به شدت ناراضی هستند و به شیوه‌های گوناگون به مبارزه می‌پردازند. مردامه امسال در این کارخانه یک اعتصاب دو روزه شد که با دخالت کمیته و اعمال فشار و تهدید ماموران رژیم پایان یافت.

پرداخت دستمزد زحمتکشان

از طریق "نذورات"!

حقوق کارگران و کارمندان کارخانه چوکادر کیلان، در ماه‌های شهریور و مهر ۱۳۶۴ با بیش از ۲۰ روز تاخیر پرداخت شد. زحمتکشان این واحد بزرگ صنعتی به عدم پرداخت بموقع دستمزد شدیداً اعتراض کردند. مسئولین کارخانه و استان ناگزیر شدند پول‌های صندوق "نذورات" مساجد و امامزاده‌ها را به سرعت جمع آوری کرده و به عنوان حقوق معوقه به کارکنان بپردازند. روی پاکت‌های پول و برخی از اسکناس‌ها جملات "نذر امامزاده..." یا "به نیت شفای..." نوشته شده بود. در این واحد تولیدی به علت کمبود قطعات یدکی ماشین‌آلات و کمبود ارز برای خرید آن از خارج، تولید کاهش یافته و شایعه اخراج قریب‌الوقوع ۱۵۰ تن از کارکنان آن بالا گرفته است. مدیران کارخانه برای جبران هزینه جاری، برخی از تاسیسات جنبی کارخانه و از جمله استراحتگاه‌های کارکنان را فروخته‌اند.

جهانی، علم دفاع از ادامه جنگ و کمک رسانی به جبهه‌ها و پشتیبانی وسیع از حاکمیت ج.ا. را به امتزاز در آورده. از آن پس بود که کاروان کمک‌های بازاریان و اتحادیه‌های کلان سرمایه‌داران راهی "جبهه‌های حق علیه باطل" گردیدند. سرمایه بزرگ تجاری در پیاده کردن توطئه‌های امپریالیستی و ارتجاعی در واقع نقش اسب تروا را در انقلاب ایفا کرده و می‌کند. سرمایه تجاری در نتیجه "همراه ساختن خود با انقلاب" (از جمله از طریق پرداخت "وجوه شرعی")، اکنون گسترده‌ترین پایگاه را در حاکمیت مرتجع و ضدانقلابی از آن خود ساخته است.

سرمایه بزرگ تجاری وابسته بخاطر نفوذ سیاسی گسترده و توانایی مالی عظیم خود، در زمینه صادرات غیر نفتی، نه تنها موفق شده است بسیاری از امتیازاتی را که رژیم سراپا وابسته به امپریالیسم شاه برای آن قائل شده بود، حفظ کند، بلکه با تحمیل "بیش" خود تسهیلات و امکانات نوینی را نیز پس از انقلاب بدست آورده است. در این باره روزنامه اطلاعات می‌نویسد:

"یک بینشی که هم اکنون در امر صادرات غالب است و آن توجه هرچه بیشتر به صادر کننده می‌باشد. این تفکر امید آن دارد که با ایجاد تسهیلات و امکانات هرچه افزون‌تر برای صادر کننده و ایجاد منافع و سود هرچه زیاده‌تر برای او، صادرات کشور "تکانی" بخورد و سیر نزولی آن متوقف شده و راه رشد و اعتلاء پیش گیرد... این بینش که عمدتاً از جانب صادرکنندگان بزرگ و سنتی کشور که سالیان متمادی با شمار اندک خود درصد مهمی از صادرات غیر نفتی کشور را در دست دارند ابراز و القاء می‌شود، تاکنون نتوانسته موفقیتی در شکستن "طلسم" رکود صادرات غیر نفتی کشور ایجاد کند" (اطلاعات ۲۸، ۲۹، ۳۰).

افزون بر اینها، باید خاطر نشان ساخت سرمایه بزرگ تجاری هرچه دامنه نفوذ و فعالیت خود را بیشتر گسترش دهد به همان نسبت غرض فعالیت سرمایه‌های متوسط و کوچک را در تولید محدودتر می‌سازد و آنها را به ورشکستگی می‌کشانند. همچنین موجب وابستگی سرمایه‌های صنعتی می‌شود و بطور کلی به زیان رشد صنعتی کشور عمل می‌کند.

واقعیت آن است که در شرایط کنونی همه توطئه‌ها و روندهای ارتجاعی که اکنون علیه منافع خلق و استقلال و آزادی میهن ما صورت می‌گیرد با هزار رشته با موجودیت سرمایه تجاری بزرگ و از آنجمله "صادرکنندگان بزرگ و سنتی"، به مثابه یکی از پایگاه‌های عمده امپریالیسم و ارتجاع، پیوند دارد. بدون خلع ید از سرمایه بزرگ تجاری که ضرورت عینی پیشرفت اقتصاد کشور است نمی‌توان به آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و صلح دست یافت.

پخش و تکثیر "نامه مردم" در داخل کشور وظیفه هر عضو و هوادار حزب است!

کارزار جهانی دفاع از توده‌ای‌های دربند

می‌خواهیم که به هیاتی مرکب از پزشکان و خبرنگاران اجازه دهد تا از وضع زندانیان در فراموشخانه‌های گوناگون رژیم جمهوری اسلامی اطلاع حاصل کنند."

افزون بر آن ۲۰ هیات نمایندگی کشورهای مختلف شرکت کننده در جشن "اونیتا"، "فراخوان" را امضاء کردند، در بین امضاء کنندگان نام بسیاری از شخصیت‌های مرفقی سیاسی و فرهنگی هم به چشم می‌خورد. از جمله امضاء کنندگان "فراخوان" می‌توان از چهره‌های زیرین یاد کرد:

رفیق جرارد و کیارومنته (عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا و مسئول کمونیست‌ها در مجلس سن)، رفیق جان کارلو پایتا (عضو کمیته مرکزی و عضو شعبه روابط بین‌المللی حزب کمونیست ایتالیا)، رفقا لوچانو بارکا، پیترو فولنا، لوچومگری، چیلدا تدسکو، آگستینو ماریانتی، چولیو کوچینی، جوزپه تامبورانو، فرانچسکو مارتینو (اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا)، رومانو بیانکی (عضو کمیته مرکزی حزب برادر و عضو پارلمان)، لئووالیانی (سناتور گروه چپ مستقل منتخب در لیست حزب کمونیست ایتالیا)، لانفرانکو تورچی (استاندار امیلیو رومانی)، رینوسری (عضو پارلمان و رییس انجمن فرهنگی و تفریحات ایتالیا)، سفیرنوبرتو (شهردار فرارا)، اینبالدی آلوارو و راوالیانی و الریا (نایندگان مجلس)، جوزپه پفا (عضو کمیته مرکزی حزب برادر و عضو پارلمان اروپا)، فلناپیترو (کادر سندیکایی)، لوچودالا (خواننده مرفقی ایتالیا)، کسوتا آرماندو، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا و سناتور، لوئیزکالدرا (از چپه ملی ساندینیست نیکاراگوئه)، ملوی (معاون شعبه روابط بین‌المللی حزب کمونیست کوبا)، آلبرتو کلدمن (معاون شعبه روابط بین‌المللی حزب کمونیست پرزیل)، فرانچسکو گومز (نماینده حزب کمونیست اسپانیا)، بایرون بوکا (نماینده چپه ملی دمکراتیک فیلیپین)، دسی (نماینده حزب کمونیست فرانسه)، تئودور پتیکف (استاد اقتصاد سیاسی ونزوئلا) و تونینو لتی ری (عضو هیات اجرایی سندیکای کارگری ایتالیا).

تصحیح و پوزش

خوانندگان عزیز!

علیرغم تلاش‌هایی که صورت می‌گیرد تا "نامه مردم" بدون غلط‌های چاپی بدست شما برسد، ولی متأسفانه هنوز گاهی غلط‌های چاپی چشم می‌خورد. از جمله در "نامه مردم" شماره ۷۵ در مقاله "عواقب یورش به حزب توده ایران آشکارتر می‌شود" در پاراگراف دوم بجای کلمه "ضمنی"، "خمینی" چاپ شده است که بدین وسیله ضمن پوزش از خوانندگان "نامه مردم" تصحیح می‌شود.

جوانان دمکراتیک لبنان، جوانان دمکراتیک مصر، اتحادیه جوانان کمونیست اسرائیل، سازمان متحد جوانان دمکراتیک قبرس، فدراسیون سراسری دانشجویان هندوستان، فدراسیون جوانان کمونیست سریلانکا، فدراسیون جوانان کمونیست آرژانتین، جوانان کمونیست بولیوی، جوانان حزب کمونیست یرزیل، جوانان سوسیالیست شیلی، جوانان کمونیست اکوادور، سازمان جوانان فورس پيشاپ (گرانادا)، سازمان جوانان حزب ملی خلق جامائیکا، کمیسیون جوانان حزب سوسیالیست متحد مکزیک، جوانان کمونیست پرو، جوانان کمونیست پرتغال، اتحادیه جوانان کمونیست ایالات متحده آمریکا، جنبش جوانان کانالی (ایرلند)، اتحادیه جوانان کمونیست بریتانیا، اتحادیه جوانان کمونیست دانمارک.

همبستگی با توده‌ای‌های دربند در جشن "اونیتا"

به دعوت حزب کمونیست ایتالیا، حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در جشن "اونیتا"، ارکان حزب برادر شرکت کردند.

توده‌ای‌ها و فدائی‌ها، در این جشن که به مدت ۱۶ روز (از ۷ تا ۲۴ شهریور) ادامه داشت، با برپایی نمایشگاه‌های عکس و کاریکاتور، طرح و نقاشی گوشه‌هایی از مبارزات خلق ایران و به همراه آن عملکرد نهادهای سرکوب و شکنجه رژیم را به نمایش گذاردند.

در جریان برگزاری جشن، صدها هزارتن از غرفه‌های حزب توده ایران بازدید بعمل آوردند و با سپاهکاری‌های رژیم در زمینه فجایع جنگ خانمانسوز ایران و عراق و وضعیت زندانیان سیاسی و توده‌ای‌های دربند آشنا شدند. در روز پایانی این جشن نیز، دیداری بین رفیق ناتا، دبیر اول حزب کمونیست ایتالیا و نماینده حزب توده ایران صورت گرفت.

توده‌ای‌ها، در روزهای جشن با بهره‌برداری از این مناسبت، بخاطر جلب همبستگی مردم و نیروهای مرفقی ایتالیا به سود خلق‌های ایران، یکی از جلوه‌های درخشان فعالیت خود را نشان دادند. شایان توجه است که ده‌ها هزار ایتالیایی برپای فراخوانی امضاء گذاردند که در آن ضمن ابراز همبستگی با خلق‌های ایران و حزب توده ایران، خواستار پایان جنگ ایران و عراق و آزادی زندانیان سیاسی شده بود. در این "فراخوان" از جمله آمده است:

"ما قویا خواهان لغو احکام اعدام و متوقف شدن تیرباران‌های رژیم و شکنجه‌های روحی و جسمی زندانیان هستیم و از دولت ایران

همبستگی اعضای هیات اجرایی فدراسیون جهانی جوانان دمکرات با جوانان ایران

در جریان اجلاس فوق‌العاده هیئت اجرایی فدراسیون جهانی جوانان دمکرات، به مناسبت بزرگداشت چهلین سال تأسیس فدراسیون، که در تاریخ ۸ - ۱۰ نوامبر ۸۵ (۱۷ - ۱۹ آبان ۶۴) در برلن پایتخت جمهوری دمکراتیک آلمان برگزار گردید، سازمان‌های شرکت کننده همبستگی پرشور خود را با مردم و جوانان ایران ابراز داشتند.

در جریان برگزاری این اجلاس دهها سازمان به نمایندگی از سوی جوانان کشورهای خود بیانیه مشترکی در همبستگی با جوانان ایران صادر کردند. متن این بیانیه چنین است:

"ما امضاء کنندگان زیر همبستگی خود را با مبارزه مردم و جوانان ایران بدین شرح اعلام می‌داریم:

۱- ما از مبارزات صلح طلبانه مردم ایران کاملاً پشتیبانی می‌کنیم و خواهان قطع فوری جنگ ویرانگر ایران و عراق هستیم. این جنگ که به تحریک امپریالیسم و ارتجاع منطقه و توسط رژیم عراق آغاز شد، در طول پنج سال نکبت باری از آن می‌گذرد موجب نابودی جوانان و ثروتهای ملی طرفین و تشدید وخامت اوضاع منطقه شده است.

۲- ما خواهان آزادی بیدرتگ تمامی زندانیان سیاسی ایران هستیم. ما محاکمات غیرقانونی و مخفیانه و همچنین احکام اعدام و زندانی راکه برای بسیاری از مبارزین توده‌ای، فدائی، و دیگر مبارزین و از جمله اعضای رهبری سازمان جوانان توده ایران صادر شده است، قویاً محکوم می‌کنیم. ما خواستار حضور ناظران بیطرف، حقوق دانان و پزشکان بین‌المللی در این دادگاه‌ها هستیم.

۳- ما پایمال کردن آزادی‌ها و حقوق دمکراتیک، محرومیت‌های شدید اجتماعی، سیاسی و مدنی را که توسط رژیم خمینی در حق مردم ایران و به ویژه زنان اعمال می‌شود، محکوم می‌کنیم. ما ضمن پشتیبانی از مبارزات حق طلبانه اقلیت‌های ملی و مذهبی، خواهان قطع فوری کشتار و سرکوب خلق کرده‌ای هستیم.

۴- ما همبستگی عمیق خود را با جوانان مبارز ایران، به ویژه اعضا و هواداران سازمان جوانان نیده ایران و سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران (ادبی) اعلام می‌داریم."

سازمان جوانان دمکراتیک افغانستان، جوانان جنبش خلق آنکولا، اتحادیه جوانان انقلابی آلبانی، سازمان جوانان مرفقی ترکیه، اتحادیه جوانان دمکراتیک بحرین، اتحادیه

برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه خود را تشدید کنیم!

در حاشیه رویدادها

گرایش های آمریکایی در حال

شکل گیری است

در "دومین کنگره سراسری دانشجویان مسلمان دانشگاهها" که اخیراً برگزار شد، سخنران در زمینه رابطه با آمریکا گفت: "ما اعتقاد داریم که آمریکا دشمن اصلی ماست ولی متأسفانه در برخی موارد و در بعضی از دستگاههای اجرایی، این مسأله، نوعی شوخی تلقی می شود و گرایش های آمریکائی در حال شکل گیری است... متأسفانه شنیده می شود که کسانی وجود دارند که مسأله وحدت استراتژیک با غرب را مطرح می کنند" (اطلاعات ۱۱ آبان ۶۴). در پاسخ به این سخنران باید گفت، این رژیم ج.ا. است که از مدتها پیش زمینه شکل گیری گرایش های آمریکایی را فراهم ساخته است، رژیمی که شالوده آن مورد قبول "دانشجویان مسلمان" نیز هست.

دست گرم خمینی بر پشت خامنه ای
برای مبارزه با "دولت سالاری"

خامنه ای در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری در "پیشگاه امام امت"، مبارزه با "دولت سالاری" را یکی از خطوط کلی و عمده سیاست دولت اعلام کرد و خمینی در جریان دیدار با رئیس جمهور، نخست وزیر و اعضای کابینه جدید، آشکارا بر این خواست و سیاست خامنه ای و نیروهای مدافع مالکیت افسارکسیخته خصوصی صحه گذاشت. او گفت: "این را کراراً گفتیم. یک دولت تا شرکت مردم نباشد نمی شود اداره صحیح بشود... آنها (بازرگانان) را، دستشان را باز بگذارید خدمت (بخوان غارت) کنند و دنبال این نباشید که می هر چیزی را دولتیش کنید. نه، دولتی در یک حدودی است... لیکن مردم (بخوان کلان سرمایه داران) را شرکت دهید" (اطلاعات ۱۱ آبان ۶۴).

گلایه از عدم تفسیر و تحلیل

فتوای "رهبر"

پس از سخنان صریح خمینی بر ضرورت "شرکت دادن مردم (کلان سرمایه داران) در کارها" در جریان دیدار با اعضای کابینه جدید، عبدالحسین ساوه نماینده کرمان از رسانه های گروهی کله کرد که چرا این بخش از سخنان رهبر رژیم ج.ا. را تفسیر و تحلیل نکردند. او در نطق پیش از دستور مجلس گفت: "در شرایطی که مشاهده می کنیم اگر گوشه ای از سخنان حضرت امام یا فقیه عالیقدر در تایید جناح و یا قشر خاصی باشد، تا چند روز رسانه ها بر آن تفسیر و تحلیل و حاشیه می نویسند، هنگامی که امام بزرگوار سخن از مردم (بخوان سرمایه داران

بزرگ) می گویند، اکثراً مهر سکوت بر لب زده و تنها به درج خبر اکتفا می کنند و دیگر از تفسیر و تحلیل خبری نیست" (اطلاعات ۱۸ آبان ۶۴).

از کنده این نظام دودی پر نخواهد خاست

شالوده نظام ج.ا. بر تامین منافع متمولین و متنفذین استوار است. نتیجه فعالیت و کار و پذیرش مسئولیت در چارچوب این نظام در نهایت چیزی جز تامین منافع زراندوزان و زورمداران و تشییع حقوق مردم و خیانت به آرمانهای انقلاب نمی تواند باشد. گواه جدید این واقعیت سخنان صانعی است که در تیرماه سال جاری در اجتماع قضات و کارکنان دادستانی ایراد کرده و در اطلاعات ۱۲ آبان ۶۴ چاپ شده است. او می گوید: "خیلی روان این اموال را برنگردانید. پله، آنجائی که مالکیت آنها و مشروع بودن مالکیت ثابت شد و وجدانت قانع شد و دیدی نمی توان و مجبور هستی که خیانت کنی به خون شهداء و به بیت المال مسلمین، خیلی ساده است. بر سر این کار نباش. الزام نداری برو جای دیگر انجام وظیفه کن. اشتباه این است که (بعضی از ما) برای مالکیت شخصی خیلی احترام قائل هستیم". برای بیان کامل واقعیت باید به جای "بعضی از ما" که روزنامه اطلاعات آن را به منظور خلط مبحث وارد مطلب کرده است، سران مرتجع ج.ا. گذاشت.

رژیم جمهوری اسلامی، رژیم "مستکبرین"

موسوی اردبیلی در خطبه اول نماز جمعه ۱۷ آبان از جمله گفت: "استضعاف شامل اقسام گوناگونی از قبیل استضعاف فکری، سیاسی و اقتصادی است. اما تهلور استضعاف، استضعاف مالی و اقتصادی است که مصادیق و عینیت مستضعفین اکثریت قاطع ملت را از طبقه کارگر، دهقان، روستائین، خوش نشین و پیشه وران جزء تشکیل می دهند و آنچه که در حکومت مستضعفین مورد نظرمی باشد، استضعاف اقتصادی و مالی است. حکومت مستضعفین معنی اش این است که تمام آموزش، تمام کمالش و تمام مظاهرش بدست مستضعفین اداره شود" و "حتی اگر امور اجرایی مملکت تنها در دست طبقه مستضعف باشد کافی نیست بلکه قانون نیز باید در کنار آن، در جهت حفظ منافع مستضعفین باشد تا با اجرای آن بتوان از حقوق محرومان و بیت المال حفاظت کرد" (اطلاعات ۱۸ آبان ۶۴).

باید نظر گرفتن این سخنان، بار دیگر این حقیقت چهره خود را نشان می دهد که رژیم ج.ا. علیرغم دعوی محیلانه دفاع از "مستضعفین"، رژیم "مستکبرین" است زیرا شالوده آن بر تامین منافع صاحبان زور و ثروت و تشییع حقوق "طبقه کارگر، دهقان، روستائین، خوش نشین و پیشه وران جزء" استوار است. به این واقعیت خود موسوی اردبیلی با اشاره به گوشه ای از سیاست ارتجاعی رژیم اعتراف می کند. او در همین نماز جمعه از جمله گفت: "ما نسبت به

استرداد و بازپس گرفتن اموال نامشروع آن چنان اقدام نکرده ایم و کارهای عمل شده ما نسبت به کارهای عمل نشده بسیار کم است".

رسوایی تازه سازمان سیا

بقیه از ص ۸

جاسوسی آمریکا همکاری کند بعنوان کمک یکباره، یک میلیون دلار دریافت می کند و سپس بصورت اضافی سالیانه ۶۴ هزار دلار و امتیازات دیگری از این قبیل به او خواهند داد. حتی می خواسته اند ترتیب ملاقات با شخص ویلیام کیسی را هم برایش بدهند.

آنطور که یورچنکو می گوید این انگیزه یسیون تقریباً سه ماه طول کشیده است.

این اعمال را نمی توان تنها تروریستی نامید. این نقی خشن حقوق بشر در مورد یک دیپلمات شوروی است که کوشیده اند با داروهای شیمیایی و تهدیدات دائمی او را از استعداد اندیشیدن محروم کنند و بصورت آدمکی در آورند که بطور مطلق تابع اراده کسانی باشد که به اشاره آنان این اعمال وحشیانه نسبت به یک انسان صورت پذیرفته است.

پس از بازگشت ویتالی یورچنکو به مسکو، روز پنجشنبه چهاردهم نوامبر مجدداً یک مصاحبه مطبوعاتی با شرکت خبرنگاران داخلی و خارجی تشکیل شد. در این مصاحبه یورچنکو با جزئیات بیشتر توصیف کرد که چگونه در اوایل ماه اوت توسط ماموران سیا ربوده شده و او را به آمریکا برده اند. او افزود که در تمام این مدت، تاهنگام فرارش به او قرص های مخصوصی را می خورانده اند.

این واقعیت که سازمان جاسوسی آمریکا با خودسری مطلق کوشیده است یک دیپلمات و شهروند اتحاد شوروی را با تزریق مواد مخدر و خوراندن داروهای خطرناک روانگردان بصورت آدمکی مطیع و آلت دست در آورد خشم و نفرت گسترده ایرا در اتحاد شوروی موجب شده است.

جنایتی که انجام گرفته از چهارچوب مفاهیم مورد قبول تمام بشریت در مورد اخلاق و عدالت و همچنین از چهارچوب قوانین بین المللی خارج می شود و کسانی دست به آن زده اند که دوست دارند پیرامون نقی حقوق بشر در "شرق" کلو پاره کنند و خود را مدافع این حقوق و آزادی ها وانمود سازند.

مرگ بر امپریالیسم آمریکا

دشمن اصلی خلق های

ایران و جهان!

نگاهی به رویدادهای جهان

رسوایی تازه سازمان سیا

روز چهارم نوامبر در سفارت اتحاد شوروی در شهر واشنگتن، بنابه تقاضای ویتالی یورچنکو دیپلمات اتحاد شوروی یک مصاحبه مطبوعاتی با شرکت روزنامه نگاران آمریکایی و خارجی تشکیل شد.

رسانه‌های گروهی آمریکا قبلاً با سروصدای فراوانی اعلام کرده بودند که یورچنکو به میل خود به ایالات متحده آمریکا آمده و تقاضای پناهندگی سیاسی کرده است.

این یک دروغ مطلق بود. یورچنکو خود تعریف کرد که در ماه اوت سال جاری به هنگام انجام مأموریت اداری در ایتالیا، در رم توسط گروهی ناشناس که بزور متوسل شده‌اند ربوده شده و سپس زیر تاثیر داروهایی که به او خورانده و تزریق کرده‌اند دچار بیهوشی گردیده و در همین حالت به آمریکا فرستاده شده است. در ایالات متحده او را در انزوای کامل نگاه

داشته و مجبور به مصرف داروهایی معین می‌کرده‌اند و به او اجازه نمی‌داده‌اند با نمایندگان رسمی اتحاد شوروی تماس برقرار کند. اتحاد شوروی بارها در برابر وزارت امور خارجه آمریکا برای ملاقات حضوری با یورچنکو یا فشاری کرده و هربار پاسخ شنیده که یورچنکو حاضر به چنین دیداری نیست.

یورچنکو سپس تعریف میکند که در روز دوم نوامبر "با استفاده از بی توجهی موقت اشخاصی که دائماً مراقب من بودند موفق شدم فرار کنم و خود را به سفارت اتحاد شوروی برسانم."

تقریباً سه ماه تمام یورچنکو زیر تاثیر فشارهای پسیکولوژیکی قرار داشته است. چلادان - آنطور که یورچنکو از کارکنان سی - آی - ای در اطراف خود یاد می‌کند - می‌کوشیده‌اند او را در هم شکنند تا اطلاعات مورد نیاز سازمان جاسوسی آمریکا را به دست آورند. حتی یک دقیقه او را تنها نمی‌گذاشته‌اند؛ با جدا ساختن او از دنیای خارج سرویس‌های ویژه پیوسته "خدمات" خود را در اختیار او می‌گذاشته‌اند. او می‌گوید: "حتی هنگامی که دراز می‌کشیدم تا بخوابم، در اتاق من باز می‌ماند

چوانان، مبارزه در راه حفظ صلح و برگزاری ۱۲ فستیوال شکوهمند جهانی جوانان و دانشجویان صحبت نمود. وی در مورد ضرورت مبارزه جوانان در راه صلح از جمله چنین گفت:

"جوانان جهان پیش از هر زمان دیگری به ضرورت مبارزه در راه صلح پی می‌برند... بنابراین پیشنهادات اخیر اتحاد شوروی در مورد قطع یک جانبه آزمایشات سلاح‌های اتمی، کاهش سلاح‌های اتمی به میزان ۵۰٪ و جلوگیری از کشیده شدن مسابقه تسلیحاتی به فضا، کارپایه مهمی است که جوانان و نیروهای مترقی جهان باید بر اساس آن مبارزه خود را در راه صلح تشدید نمایند."

سخنران همبستگی جوانان توده ایران را با مبارزات خلق‌های آفریقای جنوبی، السالوادور، نیکاراگوئه، شیلی و فلسطین علیه امپریالیسم، آپارتاید و صهیونیسم اعلام نمود. وی در دنباله صحبت خود ضمن توضیح سیاست‌های جنگ طلبانه امپریالیسم در منطقه، به علل شروع و ضایعات جنگ ایران و عراق پرداخته و سیاست‌های جنگ طلبانه و ارتجاعی رژیم خمینی را در این رابطه افشای و محکوم نمود. وی در جای دیگری از سخنان خود در مورد مبارزه دشوار و قهرمانانه جوانان ایران چنین گفت: "رژیم خمینی که با مقاومت سرسختانه مردم و جوانان ما روبرو گردیده، کارزار وحشیانه‌ای برای سرکوب و نابودی همه نیروهای مترقی در ایران به راه انداخته است... صدهزارتن از جوانان ما زیر سخت‌ترین

ومی دیدیم که در اطاق مجاور یک "بزن بهادر" با قیافه احقانه چشم از من برنمی‌دارد."

علیه یورچنکو از داروهایی که تاثیر شدیدی می‌گذارند استفاده می‌کرده‌اند و در عین حال او را می‌ترسانده‌اند و می‌کوشیده‌اند به وی تلقین کنند که خائن است و به این جهت بهتر آنکه اصلاً از فکر بازگشت به وطن دست بردارد، زیرا در آنجا زندان یا مرگ در انتظار اوست. سی - آی - ای سپس از خدمات "مطبوعات آزاد" نیز استفاده کرد. بنا به اشاره این سازمان جاسوسی رسانه‌های گروهی یک کارزار لگام گسیخته ضد شوروی را به منظور رسوا کردن یورچنکو و ایجاد این امپرسیون که او از سال‌های سال برای سی - آی - ای کار می‌کرده است آغاز نمودند. البته سیا اجازه نمی‌داد یورچنکو این نوشته‌ها ببیند.

وقتی این کوشش‌ها بدون ثمر ماند با وعده پرداخت پول به میدان آمدند. "رفاه مالی تا پایان زندگی". کمی پیش از اینکه یورچنکو موفق به فرار شود یکی از نزدیکترین همکاران ویلیام کیسی، رئیس سیا نزد او می‌آید و به او پیشنهاد می‌کند که قرارداد بدون مدتی منعقد سازند که مطابق آن اگر یورچنکو با سازمان‌های بقیه در ص ۷

شکنجه‌ها در شرایط دشواری در زندان‌های رژیم به سر می‌برند... اخبار رسیده حاکی از آنست که رژیم چنانستکار احکام اعدام ۱۵ تن از اعضای رهبری حزب توده ایران و جوانان توده ایران را به همواه احکام اعدام ۴ تن از اعضای رهبری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) صادر نموده است. بر طبق اطلاعات رسیده رژیم رفیق رضی الدین تابان از رهبران سازمان جوانان فدائی (اکثریت) را اعدام نموده است... ما در طی این چهل سال همواره از همبستگی پر شور فدراسیون به نمایندگی از سوی میلیون‌های جوانان سراسر جهان برخوردار بوده‌ایم. ما اطمینان داریم که این همبستگی در این شرایط دشوار نبرد ما برای آزادی و صلح، استقلال و عدالت اجتماعی ادامه و گسترش خواهد یافت..."

این اجلاس فوق العاده با بررسی و تصویب سند تحلیل کار فدراسیون در طی یک سال گذشته و تصویب دوسند مهم دیگر در مورد کار آینده فدراسیون و همبستگی با مبارزه مردم آفریقای جنوبی، نیکاراگوئه و مبارزه در راه صلح علیه جنگ ستارگان به کار خود با موفقیت بسیار پایان داد.

در برنامه کار فدراسیون، مسئله جنگ ایران و عراق مطرح گردیده و فدراسیون خود را موظف نموده است که همه تلاش‌هایش را در راه پایان دادن به جنگ و برقراری یک صلح عادلانه و دموکراتیک بکار گیرد.

جوانان توده ایران در اجلاس

بقیه از ص ۱
جوانان سوسیالیست (وابسته با انترناسیونالیست سوسیالیست‌ها) برگزار کردید.

میلت نمایندگی سازمان جوانان حزب توده ایران بطور بسیار فعال در این اجلاس شرکت نمود. و در این مدت با سازمان‌های برادر از کشورهای: افغانستان، لبنان، مصر، ترکیه، بحرین، قبرس، اتیوپی، اسرائیل، بولیوی، هندوستان، سریلانکا، شیلی، آمریکا، ایرلند و دانمارک دیدار نمود. همچنین در طی این اجلاس میلت نمایندگی ایران با رفیق ولید مصری رئیس فدراسیون و رفیق بینیو دیزوام نایب رئیس فدراسیون و رئیس کمیسیون آسیا و اقیانوسیه در دبیرخانه فدراسیون، دیدار کرد. در این دیدارها اوضاع منطقه، شرایط و مبارزه مردم ایران و فعالیت سازمان جوانان توده ایران مورد بحث و گفتگو قرار گرفت.

نمایندگان سازمان‌های جوانان کشورهای مختلف در طی این اجلاس در مورد مهمترین مسائل بین‌المللی و مبتلا به جوانان سخنرانی نمودند. نماینده سازمان جوانان توده ایران در طی سخنرانی خود ضمن تهریک چهلمین سالگرد فدراسیون جهانی و تشکر از جوانان آلمان دموکراتیک برای میزبانی این اجلاس، درباره دست آوردهای فدراسیون در دفاع از حقوق

بایان دادن به جنگ و برقراری صلح عادلانه در گرو پی‌کار پی‌گیر،

متحد و سازمان یافته همه نیروهای مترقی و مردمی است!

NAMEH
MARDOM
No: 77

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

21, November, 1985